

کلام و عرفان



چستے نویس

بہروز محمدی منفرد*

چکیده

آرمان‌شهرگرایی و اتوپیا از مفاهیمی به شمار می‌رود که همواره با تولد اندیشه در آدمی هم‌زاد است. از این‌رو، اندیشه‌ورزان بسیاری به تدوین آرمان‌شهر و بیان عصر طلایی و مطلوب خویش پرداخته‌اند. اتوپیا در زبان فارسی به «جایی که وجود ندارد»، «ناکجا‌آباد»، آرمان‌شهر، مدینه فاضله و... معنا می‌شود و در معنای کلی‌تر، شهرهای فاضله و سرزمین‌های خیالی را گویند که تاکنون در تاریخ محقق نشده و تنها به صورت خیالی در اذهان وجود دارد. اتوپیا از قرن شانزده به بعد اصطلاح شد. کسانی مانند هاکسلی در قرن‌های بعد، ضداتوپیا نوشتند و آن‌گاه نقادانی همانند پوپر در این‌باره پدید آمدند. اتوپیا و ایدئولوژی تضادی اساسی با هم دارند، به گونه‌ای که ایدئولوژی نظام موجود را توجیه، ولی اتوپیا نظام موجود را نفی می‌کند. اتوپیا بیشتر عرصه‌های زندگی بشری مانند مناسبات خانوادگی، مالکیت اشیاء، مصرف کالا، سازمان‌دهی زندگی سیاسی و حیات مذهبی را دربر می‌گیرد و از این‌رو، بیشتر طرح‌های اتوپیا در تضاد با هم هستند و غالب آنها ویژگی‌های یک‌سان ندارند. با مطالعه و بررسی بیشتر اتوپیاها به این نتیجه می‌رسیم که مفاهیم مشترکی در بسیاری از آرمان‌شهرها وجود دارد که در خصوصیات با هم اختلاف دارند. از جمله این وجوه مشترک به عدالت‌محوری، قانون‌مداری و انسجام همگانی می‌توان اشاره کرد.

واژگان کلیدی

اتوپیا، ضداتوپیا، ایدئولوژی، تاریخ، عدالت، قانون، حاکم.

مقدمه

تاریخ زندگی بشری گواه است که سودای نیل به سعادت فردی و اجتماعی و جامعه‌ای دور از کاستی، همواره ذهن عقلا را به خود مشغول داشته است. این آرزو با تولد اندیشه در انسان هم‌زاد است و انسان در آرزوی داشتن چنان جامعه‌ای همواره در تکاپو بوده و چاره‌ها اندیشیده است. آرزوی ساختن جامعه‌ای بسامان و آرمان‌شهر، ذهن فیلسوف سیاست را مشغول خود ساخت تا جانشینی مناسب برای وضعیت فعلی خویش فراهم آورد. اگر وضعیت طبیعی برای فیلسوف بسان آرمانش مطلوب می‌نمود، دیگر معنا نداشت که در پی آرمان‌شهری بگردد.

آرمان‌خواهی بزرگ‌ترین عامل حرکت و تکامل آدمی است و او را وادار می‌دارد که هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نماند. همین نیرو، او را همواره به تفکر، کشف، کنج‌کاوی، حق‌یابی، ابتکار و خلق مادی و معنوی وادار می‌دارد. هنر، ادبیات و تمام فرهنگ بشری تجلی‌گاه روح ایده‌آل موجودی است که هرگز در برابر وضع جهان خشنود نیست. انسان عصر جدید به گذشته یک‌سر تیره و تار همانند قرون وسطایش می‌نگرد و آینده‌ای روشن و عصری طلایی را در پیش خویش می‌طلبد و از این‌رو، آرمان تشکیل جامعه‌ای آرمانی و اصلاح‌گر مشرق و مغرب‌زمین را درنور دیده و پیرو قابلیت‌های آنان، تعینات گوناگونی یافته و در آثار مختلف نمایان شده است، چنان‌که شاعر در شعرش، پیکرتراش در پیکره‌اش و نقاش در نقاشی‌اش آرمان خود را نشان داده‌اند. گفتنی است که آرمان‌شهرگرایی، ذهن بسیاری از فیلسوفان و اندیشه‌ورزان را به خود واداشته و در عالم اندیشه و تاریخ تأثیر فراوانی گذاشته است. تفکر مارکسیسم که موجب تحولاتی چشم‌گیر در تاریخ شد، نمونه‌ای از آن تأثیرات است.

برای بررسی دقیق اتوپیا مفهوم اتوپیا و سیر تطور و ویژگی‌های آن را باید کاوید و در ادامه، آرمان‌های یکایک اتوپیانویسان را باید بررسی کرد.

مفهوم‌شناسی

مفهوم اتوپیا، آشفته‌گی و صعوبت خاصی دارد که نگارندگان اتوپیا نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند. اما واژه اتوپیا (utopia) که برای نخستین بار توماس مور^۱ (۱۴۷۸-۱۵۳۵ میلادی) وزیر هانری هشتم پادشاه انگلستان آن را به کار برد، یونانی و از دو کلمه «ou» به معنای «نا» و «Topos» به معنای «مکان» گرفته شده است.^۲ فارسیان این کلمه را به «جایی که وجود ندارد»، «ناکجا‌آباد»، آرمان‌شهر و مدینه فاضله معنا می‌کنند، اما در معنای کلی‌تر شهرهای فاضله و سرزمین‌های خیالی را گویند که تاکنون در تاریخ محقق نشده و تنها به صورت خیالی در اذهان وجود دارند و بدین‌سان از نظرگاه جامعه‌شناسان تنها ارزش ادبی دارند و در واقعیت نمی‌گنجند.

این واژه در قرن هفدهم میلادی درباره هر مکان دور دست و خیالی و سیستم شهری به کار می‌رفت که جغرافیایی نامحدود و تحقق‌ناپذیر داشت و مجموعه‌ای از تقابلات بین

مفهوم اتوپیا، آشفته‌گی و صعوبت خاصی دارد که نگارندگان اتوپیا نتوانسته‌اند به تعریف مشترکی از آن دست یابند. اما واژه اتوپیا (utopia) که برای نخستین بار توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵ میلادی) وزیر هانری هشتم پادشاه انگلستان آن را به کار برد، یونانی و از دو کلمه «ou» به معنای «نا» و «Topos» به معنای «مکان» گرفته شده است.

این مفهوم و دیگر مفاهیم همانند تقابل بین واقعی و ممکن را دربر می‌گرفت. این واژه در قرن هجدهم نیز کمابیش به همین معنا در فرانسه به کار می‌رفت، ولی با نفوذ انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی شکل خاصی از این بهشت زمینی ترسیم شد، چنان‌که مفهوم «Pantisocracy» اشاعه پیدا کرد؛ آرمان‌شهری که بنابر آن، قانون برای همگان برابر یاد می‌شد. در قرن نوزدهم از امکان تحقق این شهر سخن به میان آمد و در خلال آن قرن، تفکر اتوپیایی از مرحله تصورات نظری به مرحله تطبیقات عملی تجربی رسید. این بار میان یوتوپیا و علم مقابله رخ داد، یعنی همان تقابلی که ماتریالیسم تاریخی درباره سوسیالیسم یوتوپیایی و سوسیالیسم علمی معتقد شد. اما در اوایل قرن بیستم، اتوپیا و اسطوره^۲ و در ادامه، اتوپیا و ایدئولوژی در مقابل هم قرار گرفتند و تغییرات اقتصادی و تطور علم و تکنولوژی، اثر عظیمی در تشکیل فکر اتوپیایی در این مقطع زمانی داشته است و در نهایت، داخل شدن انسان به عصر فضا هم تأثیر فراوانی در ادبیات یوتوپیایی گذاشته است، به گونه‌ای که آرمان‌شهرهایی^۳ هم بر این اساس نگاشته شده‌اند.

اگرچه یوتوپیا از آغاز قرن شانزدهم میلادی به کار رفت، رد پای آرمان‌شهر و جامعه فاضله در تفکر انسانی اصالت دارد و هزاران سال قبل از قرن شانزدهم هم در قالب دینی، اجتماعی و سیاسی به کار رفته است. آرمان‌شهر افلاطون و یا حماسه سومری گیل‌گمش، نمونه‌هایی بر این مدعایند که بهشتی زمینی را ترسیم می‌کنند؛ بهشتی زمینی که در آن صدای کلاغ و پرند مرگ به گوش نمی‌رسد، پیری معنا ندارد و گرگ و میش در کنار هم می‌زیند.

مدینه فاضله و آرمان‌شهر، البته نه به معنای مصطلح اتوپیایی، در آموزه‌های دینی مسیحیت و یهودیت و اسلام نیز به وضوح نمایان است. براساس آموزه‌های این ادیان، با مداخله خداوند در تاریخ، منجی مصلحی ظهور خواهد کرد که جامعه‌ای آرمانی را خواهد ساخت. این ادیان زمان و کیفیت دقیق ظهور آن منجی را پیش نگفته‌اند و نام اتوپیا و آرمان‌شهر را بر آن جامعه نهاده‌اند، اما برای برخی طرح‌های ذهنی اتوپیایی سنتی همانند شهر خدای آگوستین و مدینه فاضله فارابی و شهر مسیحیان^۵ فالتین اندریا الگوی ساخته‌اند.

برخلاف آرمان‌شهرهای سنتی، اتوپیا‌های عصر مدرن و جدید با غفلت از آسمان و اندیشه معنوی، رنگ و بوی دنیایی به خود گرفته است و بشر انسان‌گرای جدید می‌کوشد در این زمین برای خود بهشتی ترسیم کند که همه آرمان‌ها و آرزوهای دنیوی او در آن وجود دارد؛ «بهشتی که در آن مرگ و استکمال و عشق و تفکر وجود ندارد، اما تکلیف از اهل آن برداشته نشده است. منتهی این تکالیف زمینی است و عقل عادی ملاک و واضع آن است.»^۶ البته این امر «از شئون لازم تمدن غربی است و چنان با فکر و عمل مردم زمانه آمیخته شده است که هرچه می‌بینند و هرچه می‌گویند در حدود چیزها و اقوال مناسب با مدینه اتوپا است.»^۷

غالب طرح‌های اتوپیای عصر مدرن (اتوپیای مثبت) آینده مثبت و زیبایی را برای بشر ترسیم می‌نمایند که در آن همه آرمان‌های بشری از جمله آزادی، عدالت، صلح و امنیت تصویر می‌شود. از جمله این طرح‌ها اتوپیای توماس مور، آتلانتیس^۸ فرانسیس بیکن^۹، شهر آفتاب کامپلانا، اوسئانیای جیمز هرینگتون^{۱۰} (۱۶۱۱-۱۶۷۷ میلادی)، شهر زرین فرانسوا ماری^{۱۱} ملقب به ولتر (۱۶۹۴-۱۷۸۸ میلادی) و سفر به یکاری اثر اتین کابه (۱۷۸۸-۱۸۵۶ میلادی) را می‌توان نام برد، اما در طول تاریخ اندیشه، کمتر شخصیتی چون کارل مارکس^{۱۲}، آرمان‌شهری در انتهای تاریخ برای بشر توانسته ترسیم کند. او بر مردمان بسیاری در راه دستیابی به بهشت زمینی خود ره نموده است.

ضد اتوپیا

در مقابل آرمان‌شهرهای مثبت، برخی طرح‌های اتوپیا در قالب اتوپای منفی، دیستوپیا^{۱۳} و یا ضد اتوپا^{۱۴} هستند؛ داستان‌هایی که دنیای تخیلی ناخوش‌آیند، ناامن، سخت و وحشت‌ناکی را برای بشر در آینده ترسیم می‌نمایند و بدبینی انسان قرن بیستم را به پیش‌رفت‌های بشری در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و تکنولوژی نشان می‌دهند، مانند: منفی‌گرایی‌های آلدوس هاکسلی (۱۸۹۴-۱۹۶۳ میلادی)،^{۱۵} جورج اورول (۱۹۰۳-۱۹۵۳ میلادی)،^{۱۶ و ۱۷} آرنو شمیت و زامیاتین (۱۸۸۴-۱۹۳۷ میلادی).^{۱۸}

برای نمونه، هاکسلی در کتاب **دنیای قشنگ نو**^{۱۹} (۱۹۳۲ میلادی) جامعه‌ای لیبرال را در آینده تصویر می‌نماید که انسان آزمایش‌گاهی را تولید انبوه می‌کند، او را براساس شغل

آینده‌اش می‌سازد تا نیازها و اغراض مدینه خویش را برآورده سازد و هیچ‌گاه از آن تکالیف سرباز نزند که در این صورت پدر و مادر، مهر و محبت و... معنایی ندارد و تنها بدبختی و بردگی را به دنبال خواهد داشت.^{۲۰} هم‌چنین جورج اورول در رمان *مزرعه حیوانات*^{۲۱} (۱۹۴۵ میلادی) مجموعه‌ای از حیوانات را تصویر می‌نماید که همراه با هم انسان‌ها را از قلعه بیرون می‌کنند تا جامعه اشتراکی حیوانی را تشکیل دهند، ولی ناگهان خوک‌ها بر آنها حاکم می‌گردند و دوباره حکومتی خودکامه مشابه قبل ایجاد می‌شود و همان ظلم‌ها و بهره‌کشی‌های مالک قبلی را بر آنها روا می‌دارند. اورول در این رمان در پی نقد جامعه دهقانی - اشتراکی پس از انقلاب روسیه است.^{۲۲}

نقد اتوپیا

همراه با تطور اتوپیا، نقدهایی نیز بر آرمان‌شهرها وارد شده که بررسی همه نقدها در این نوشتار نمی‌گنجد، ولی از این میان، کارل پوپر^{۲۳} به لحاظ نوع نقادی‌اش جای‌گاه ویژه‌ای دارد. ایشان آرمان‌گرایی را به چوب نقد می‌راند و بر این باور است که استدلال‌های فیلسوفان چگونگی جامعه آرمانی را نمی‌توانند تعیین کنند؛ زیرا گرایش‌های مختلف فیلسوفان و برداشت‌های متفاوت آنان از سعادت و کمال، تأثیر فراوانی در ساختار آرمان‌شهر آنها داشته است.

پوپر، اتوپیانیسیم را نظریه‌ای خطرناک و تباه‌کننده می‌داند که به تسلط خشونت می‌انجامد؛ زیرا به عقیده وی، اتوپیانیسیم برای نیل به اهداف خود همه عقاید مخالفان را از ریشه برمی‌کند. او معتقد است نگرش ناکجاآبادگرایی در مقابل نگرش عقلی است و حتی اگر هم به لباس عقل‌گرایی درآید، چیزی جز عقل‌گرایی دروغین نیست و جاذبه ناکجاآبادگرایی، از غفلت ما برمی‌خیزد که به روشنی نمی‌دانیم بهشت را بر گستره زمین نمی‌توان آفرید؛ تنها می‌توان از رنج بشر کاست و زندگی هر نسل را عادلانه‌تر نمود.^{۲۴}

پوپر، افلاطون و مارکس را دشمن جامعه باز یاد کرده و معتقد است که مهندسی اتوپیانیسیم به جای آن که جامعه‌ای مناسب را بیافریند، می‌کوشد افراد واقعی جامعه را در قالب جامعه ذهنی انتزاعی خود شکل دهد و منافع فردی را فدای مصالح جمعی انتزاعی خود کند. وی اعلام می‌دارد که بهتر است سودای بهشت زمینی را از سر به در کنیم و در همین زمین خاکی در پی آن گردیم؛ زیرا غرب برای مغرب زمینی‌ها بهشت به شمار می‌آید و البته نخستین بهشت نه بهشت هفتم. این بهشت تا حد زیادی می‌تواند بهتر شود، بنابراین، نباید دیگر به عالم ناسزا گفت؛ عالمی که به خصوص تا آن‌جا که به اروپا مربوط می‌شود، بهترین عالمی به شمار می‌رود که تاکنون وجود داشته است.

با این حال، اگرچه پوپر به ظاهر اتوپیا را رد می‌کند، در پنهان از اتوپیای محقق و جامعه آرمانی یعنی جامعه کنونی در مغرب‌زمین سخن به میان می‌آورد. کوشش او برای «دموکراسی غربی» گواهی بر این امر است.^{۲۵}

اگرچه یوتوپیا از آغاز قرن شانزدهم میلادی به کار رفت، رد پای آرمان‌شهر و جامعه فاضله در تفکر انسانی اصالت دارد و هزاران سال قبل از قرن شانزدهم هم در قالب دینی، اجتماعی و سیاسی به کار رفته است. آرمان‌شهر افلاطون و یا حماسه سومری گیل‌گمش، نمونه‌هایی بر این مدعا هستند که بهشتی زمینی را ترسیم می‌کنند؛ بهشتی زمینی که در آن صدای کلاغ و پرندۀ مرگ به گوش نمی‌رسد، پیری معنا ندارد و گرگ و میش در کنار هم می‌زیند.

اتوپیا، ایدئولوژی، تاریخ

اتوپیا نیسم، نظریه‌ای پیش‌نگرانه و نوعی اندیشه بدبینانه به نظام موجود به شمار می‌رود که با بی‌ارزش دانستن وضعیت فعلی جامعه در آرزوی دست یافتن به وضع مطلوب ناموجود است.

اتوپیا نیسم با نفی هست‌ها، آرزومند آینده‌ای آرمانی است که تنها با نفی جامعه موجود امکان می‌پذیرد. البته آرمان‌شهر مصلحت‌جویی همانند اتلان‌تیس فرانسیس بیکن در تلاش است به جای اعتراض و نفی وضع موجود، آن را اصلاح کند.

اختلاف ایدئولوژی و اتوپیا نیسم نیز بر این اساس است که اتوپیا سخن از «جای دگر بودگی و اگر بودگی» می‌زند و ایدئولوژی از «این گونه بودن و نه به گونه‌ای دیگر» سخن به میان می‌آورد؛^{۲۷} زیرا ایدئولوژی بر هست‌ها و واقعیت‌های جامعه تأکید دارد و در تلاش است آن‌چه هست را موجه سازد و یوتوپیا معترض به وضع موجود و ضد واقعیت است و در حقیقت، ایدئولوژی، واقعیت را حفظ می‌کند و به آن تداوم می‌بخشد و اتوپیا از اساس در آن تردید دارد و در این معنا، اتوپیا بیان همه قابلیت‌های گروهی است که خود را توسط نظم موجود سرکوب شده می‌یابد.

کارل مانهایم^{۲۸} (۱۸۹۳-۱۹۴۷ میلادی) تأکید دارد که یوتوپیا نیه فاقد ایدئولوژی و خرده ایدئولوژی است؛ زیرا یوتوپیا وضع موجود را نقد می‌کند و جهان ایدئولوژی را به چالش می‌کشانند، در حالی که وضع موجود توسط ایدئولوژی معنا و مفهوم می‌یابد.

فیلسوف اتوپیا نیست به حال و گذشته کاری ندارد و تنها به آینده‌ای نامعلوم کار دارد و چون رؤیا و آرزوست، در آن وقت و زمان معنا ندارد و در نتیجه، با گذشته و حال بشر بی‌ارتباط است، ولی آن را بن‌بست و پایان پویش تاریخ می‌توان شمرد؛ زیرا بشر در این شهر از هر حیثی به کمال مطلوب خود می‌رسد و دیگر تقاضای امری فراتری ندارد و آن بهشت خیالی‌اش را محقق می‌یابد. بنابراین، فیلسوف اتوپیا نیست، در مقابل ایدئولوژی همواره معترضانه به عصر خویش می‌نگرد، چنان‌که غالب اوقات، اتوپیا از بحران‌های یک جامعه و یک فرد برمی‌آید و در حقیقت، می‌توان گفت که تحولات و شرایط روزگار بر فیلسوف و اندیشه‌هایش تأثیر می‌گذارد، چنان‌که به قول هایدگر، فیلسوف بشری است که به رودخانه زمان پرتاب شده، محصول شرایط تاریخی خود

است و تنها می‌تواند از میان سطور فلسفه‌اش، حقیقت وجودی خود را شرح دهد.^{۲۹} از آن‌جا که فیلسوف در تلاش است بشر را به سمت خیر برین و سعادت‌مندی سوق دهد، فراخور تحولات جامعه‌اش، طرح‌های آرمانی متفاوتی در دستگاه دانایی‌اش وجود دارد تا شاید پاسخی به وضع نامطلوب و بی‌داد موجود بتواند دهد. بنابراین، غالب آرمان‌شهرهای سنتی و مدرن در جامعه‌ای نگاشته شده‌اند که ظلم و خفقان و ناعدالتی به اوج خود رسیده‌اند و نگارندگان آرمان‌شهر برای فرار از چنین جامعه‌ای و شکایت از وضع موجود دست به تدوین آن زده‌اند، چنان‌که فروید هم اتوپیا را نشانه انحطاط و کوششی برای فرار از ناکامی و واقعیت می‌داند و جامعه‌شناسان نیز اتوپیا را ابزار طبقه محروم و تحت فشار برای مبارزه با دشمن قلم‌داد می‌کنند. برای نمونه، افلاطون شاهد فرو ریختن نظام ارزش‌های اجتماعی آن، اعدام فرزانه‌ترین فرد زمانه (سقراط) به دست خودش، گرمی بازار سوفیست‌ها، خرید و فروش فضیلت، آمد و رفت جباران تیرانت و دموکرات‌های افسار گسیخته از صحنه سیاست دولت آن و ظلم حاکمان روزگار خود بوده است. او که از اصلاح وضع سیاسی و سیاست‌مداران مأیوس بوده، رفع مسائل جامعه مدنی خود را در حل نگرش انسان به سیاست یاد کرده است. از این‌رو، پیوسته می‌کوشیده جامعه را به سوی اصلاح سوق دهد و معتقد بوده جامعه زمانی روی سعادت می‌بیند و از رنج و محنت رهایی می‌یابد که مردان صالح و حکیم، زمام امور را به دست گیرند و اگر چنین نشود، بدبختی جامعه‌ها و نوع بشر به پایان نخواهد رسید.^{۳۰}

مورخان درباره آرمان‌شهر آگوستین نیز معتقدند که در قرن پنجم میلادی که پایه‌های امپراطوری روم رو به سستی نهاد و فرمان‌روای ویرنگوت شهر رم را تصرف کرد،^{۳۱} بسیاری از بت‌پرستان آن عصر، به بهانه شکسته شدن اقتدار حکومت روم، بر ضد دین مسیح به فعالیت پرداختند و این شبهه را طرح کردند که سقوط نظام حاکم، در نتیجه ترک ایمان به خدایان سنتی و گرویدن به مسیحیت است. آگوستین چنین در مقابل این شبهه‌افکنی‌ها ایستاد و کتاب شهر خدا را با جدا کردن هواداران چندخدایی از مسیحیان موحد به نگارش درآورد و دیدگاه خویش را درباره شهر آرمانی خویش تبیین کرد.^{۳۲}

فارابی نیز در دوره‌ای پراغتشاش و آشوب می‌زیسته که جهان

اسلام درگیر نزاع‌ها و مجادلات فرقه‌ای و کلامی فلسفی بوده است. در آن هنگام، گستره آشوب‌های اجتماعی و آنارشسیسم فکری و فرهنگی حاکم،^{۳۳} یک پارچگی سیاسی جهان اسلام را از میان برده بود، چنان‌که هم‌زمان با خلافت عباسیان در بغداد، امویان در اندلس و فاطمیان در مصر هر کدام ادعای خلافت می‌کردند. از این‌رو، وی به نقد فلسفی احوال و روزگار خویش پرداخت. او به سیاست پا نگذاشت و منش کناره‌گیری از قدرت را برگزید، اما کوشید با رجوع به مبادی و اصول، آتش این بحران‌ها را خاموش کند. ثمره این کوشش‌ها، تبیین مدینه‌ای فاضله بود که به قول خود او در صورت تحقق طرحش، هجرت به آن مدینه فاضله واجب است.^{۳۴}

تامس مور نیز کتاب اتوپییای خود را در حالی منتشر کرد که بر اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی سرزمین خود نگران و بر فرمان‌روایان ظالم و مستبد، روحانیان متعصب مسیحی و ثروت‌مندان متجاوز منتقد بود. آرمان‌شهر او از حوادث روزگارش برآمده^{۳۵} و به عبارت دیگر، یوتوپییای تامس مور بهانه‌ای برای خرده‌گیری او از جامعه‌اش بوده است.^{۳۶} کامپلانا در حالی که به جرم تلاش برای نجات ایتالیا از سلطه اسپانیا در زندان بود، به نگارش کتاب آرمان‌شهر گرایانه خود پرداخت و جیمز هرینگتون پس از شکست کرمول و بازگشت نظام و سلطنتی به زندان افتاد و دچار بیماری روحی و جسمی شد و پس از رهایی از زندان، با وجود ناتوانی، مدینه فاضله خود را با نام «Oceana» نگاشت^{۳۷} و فرانسوا ماری آروند شهر زرین خود را در نقد جامعه فرانسوی آن روز نوشت که در آن وجود کشیش، زندان و جنگ منتفی است و در نهایت، اتین کابه جامعه ایده‌آل خود را در کتابی تحت عنوان *سفر به ایکاروی* مطرح می‌کند که در آن به صورت قصه به طراحی ساختار حکومت و ساخت آرمان‌شهر می‌پردازد.

ویژگی‌ها

اتوپیا، غالب عرصه‌های زندگی بشری از جمله مناسبات خانوادگی، مالکیت اشیاء، مصرف کالا، سازمان‌دهی زندگی سیاسی و حیات مذهبی را دربر می‌گیرد. از این‌رو، بیشتر طرح‌های اتوپیا در تضاد با هم هستند و ویژگی‌های یک‌سان ندارند.^{۳۸} با وجود این، از مطالعه و بررسی غالب اتوپیاها به این نتیجه می‌رسیم که مفاهیمی مشترک آرمان‌شهرها را به هم پیوند داده‌اند. آن مفاهیم مشترک در خصوصیات تضادهایی با هم دارند، چنان‌که عدالت سیاسی از منظر افلاطون، آگوستین، تامس مور و... متفاوت معنا شده است. از آن‌جا که مجالی برای پرداختن به همه ویژگی‌های آرمان‌شهرها در این نوشتار نیست، به صورت اختصار به برخی وجوه مورد نظر غالب نگارندگان اتوپیا اشاره می‌شود:

۱. ماهیت غالب اتوپیاها فارغ از تحقق و عدم تحقق و مکان و زمان است، ولی سخن از تحقق آرمان‌شهرها از قرن نوزدهم به بعد مطرح شد و برای تحقق برخی از آنها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تلاش‌هایی صورت پذیرفت، چنان‌که کوشیدند شهر آفتاب کامپلانا را در پاراگوئه بسازند و در پاسخ به دعوت اندیشه مارکسیسم، درباره

- اتوپیا، غالب عرصه‌های زندگی بشری از جمله مناسبات خانوادگی، مالکیت اشیاء، مصرف کالا، سازمان‌دهی زندگی سیاسی و حیات مذهبی را دربر می‌گیرد. از این‌رو، بیشتر طرح‌های اتوپیا در تضاد با هم هستند و ویژگی‌های یک‌سان ندارند.

پایانه و آخرین حلقه تاریخ و رؤیای بهشت زمین، میلیون‌ها انسان پاسخ گفتند و دولت‌ها و کشورهایی با این آرمان و آرزو پدید آمدند. البته همان‌طور که اشاره شد، سخن از تحقق آرمان‌شهرها از قرن نوزدهم به بعد به میان آمد و قبل از آن چندان بدان توجه نمی‌کردند.

۲. بی‌تردید ژرف‌کاوی‌ها و کاوش‌های فیلسوفانه نقشی اساسی در انگاره‌های آرمان‌شهرگرایی داشته‌اند. فیلسوفان با باور به جوهری انسانی برای خویشستن و هم‌نوعانشان، اندیشه و منشی انسانی را طلب نموده‌اند و عدالت، صداقت، امنیت و مهرورزی به هم‌نوع را خواستار بوده‌اند.

فیلسوف آرمان‌گرا خدمت عقلانی به بشر را سرلوحه اهداف خود می‌داند و بیشترین توجه را به غیرخویش دارد. از این‌رو، با مشاهده وضعیت نابسامان و نامطلوب بشری و دوران فاجعه‌بار، فعل و انفعالاتی عقلی را آغاز می‌کند تا پاسخی برای آنها بیابد. او با نگاه به گذشته، حال و آینده، تاریخی اندیشیده و با همه جوامع انسانی سروکار دارد تا از آنها بهره بگیرد و اصلاحی عقلانی را تبیین کند و بشر را به سعادت کامل برساند. بدین‌سان سعادت‌مداری و اندیشه کمال، غالب آرمان‌شهرها را به یک‌دیگر می‌پیوندد.^{۳۹} البته سعادت و کمال در هر سیستمی متفاوت با دیگری معنا می‌شود و اندیشه کمال به گونه‌ای انعطاف می‌پذیرد که بسیاری از نظام‌های ناهم‌اند را به هم ربط دهد. البته این رؤیای کمال به دست آمدنی است و در رساله‌های سیاسی، فلسفی و حتی در طرح‌های ساختمانی و جغرافیا ممکن است بگنجد.

۳. اتوپیا عدالت را شالوده اساسی حکومت خود می‌داند. در حقیقت ایده آرمان‌شهرگرایی از عمق وجودی فیلسوف با نگرش فطری به عدالت برمی‌خیزد. غالب آنان جهان را بر منهج عدل استوار می‌دانند و از این‌رو، می‌خواهند که عدالت موجود در عالم تکوین را بشناسند و با هم‌آهنگ کردن آن با اندیشه انسانی، پیکر فرسوده انسانی را از دغدغه‌ها و رنج‌ها نجات دهند. بنابراین، عدالت‌محوری و اصلاح جامعه انسانی، از مهم‌ترین انگیزه‌های فیلسوفان در تدوین و ترسیم آرمان‌شهرگرایی بوده است که زمینه‌ها و شرایط تاریخی و حتی انگیزه‌های شخصی و فردی، ضرورت تدوین آرمان‌شهر را دو چندان کرده است.

برای نمونه، افلاطون هدف اساسی کتاب **جمهور** را بیان

مفهوم عدالت و راه رسیدن به آن می‌داند. او عدالت را آرمانی مطلوب می‌داند که تنها تربیت‌یافتگان دامان فلسفه و حکمت به آن می‌توانند برسند و مطلوب جویندگان سعادت است،^{۴۰} اگرچه گه‌گاهی از تحقق‌ناپذیری چنین جامعه‌ای سخن می‌راند؛ زیرا حاکم شدن فیلسوفان و حکیم شدن فرمان‌روایان را شرط اساسی به وجود آمدن چنین جامعه‌ای می‌داند که به نظر وی چنین چیزی تحقق نخواهد یافت.^{۴۱}

فارابی نیز معتقد است که جهان هستی در نهایت عدل و کمال آفریده شده و از این‌رو، بسیاری از مباحث دوباره مدینه فاضله را به عدالت و عدالت‌محوری اختصاص داده است. فارابی معتقد است تنها حکیم خوب این نقش را می‌تواند ایفا کند؛ زیرا برای برقراری نظام فاضله و عادلانه باید مردمان یا گروهی از ایشان با عدل آشنا شوند و عدل در وجودشان تحقق یابد و عمل و اعتقادشان یکی گردد.^{۴۲} و تنها حکیمان این ویژگی را دارند.

تامس مور نیز درباره عدالت، به مفهوم برابرسازی انسان‌ها در امور، خدمات و به طور کلی زندگی در ناکجاآباد عدالت معتقد است. به اعتقاد او، شهرهای اتوپیا شبیه به هم و با مقتضیات اقلیمی ساخته شده‌اند.

گفتنی است مفهوم عدالت سیاسی در میان آرمان‌شهرگرایان، گوناگون تعریف شده و هر کدام عدالت واقعی را به گونه‌ای در آرمان‌شهر خود تدوین کرده‌اند.

۴. اتوپیا فرد را با جامعه و همگان می‌خواهد متحد سازد و سازش دهد. از این‌رو، مدنیت طبیعی و رابطه تعاون میان انواع انسانی از شالوده‌های آرمان‌شهر است و این امر، نوعی هم‌دلی در همه عرصه‌های زندگی را در پی دارد. فردی که در این شهر زندگی می‌کند، حتی در مرگ هم خود را تنها نمی‌داند؛ زیرا همواره همراه اهل مدینه است، در حالی که مرگ به منزله تنهایی است.

۵. اتوپیا زاینده ذهن خلاق بشری است و مؤلفه‌ها و برنامه‌های آن در چارچوب ذهن شکل می‌گیرد و لذا قاعده و قانون‌مندی اقتضای ذاتی آن است. آرمان‌شهر نمونه‌ای از جامعه قاعده‌مند و قانون‌مدار به شمار می‌رود که همه رفتارهای افراد جامعه را دربر می‌گیرد و از آنان موجوداتی مجبور و مطیع قانون عقل و نظام عقلی می‌سازد که تخطی‌شان از قواعد و قوانین، جنایت محسوب می‌شود؛ زیرا تخطی از قواعد سبب به خطر افتادن کمالی است که

اتوپیا پیش می‌کشد. برای نمونه، در آرمان‌شهر توماس مور، مالکیت خصوصی و انحصار و قوانین ستم‌گرانه و قدرت نظامی لغو می‌شود و شهر در نظر ایشان، خیابان‌ها و خانه‌هایی همانند دارد و خانه‌ها به هیچ‌کس تعلق ندارند و از آن دولت به شمار می‌روند. در آن شهر هرکس به فراخور حرفه یا صنعتی کار می‌کند و کار روزانه‌اش شش ساعت است؛ نیمی از آن در صبح و نیمی در عصر.^{۴۳}

شهر آفتاب کامپلانا نیز براساس قوانین طبیعت و آیین خرد هدایت می‌شود و در آن نظام اجتماعی شهر خورشید نسبت به بیگانگان سخت‌گیر نیست و با آنان به احترام برخورد می‌کند.^{۴۴}

این‌گونه قانون‌مداری که به ظاهر در ضمیر عاقلان زیبا جلوه می‌کند، در مواردی همانند مدینه فاضله افلاطون، نظامی طبقاتی برای افراد مختلف جامعه ایجاد می‌کند و اتوپیا را به نظامی استبدادی مبدل می‌سازد که هیچ ارزشی برای فروستان نمی‌گذارد و آنان را به اطاعت بی‌چون و چرا از طبقه فراتر فرا می‌خواند.

۶. آرمان‌شهر مخالف هرگونه آزادی خودسرانه است؛ زیرا سبب خودسری امیال طبیعی و در نتیجه تخطی از قوانین جامعه می‌شود، اما به کار بستن هرگونه روش ناپسند اخلاقی در جهت مصالح حکومت را شایسته می‌خواند؛ زیرا مهم‌تر از دولت هدفی وجود ندارد. از این‌روی، اگرچه اتوپیا به ظاهر انسان‌مدار بوده و به دنبال کرامت انسانی است، انسانیت انسان را به خطر می‌اندازد و او را به بردگی می‌کشاند.

۷. توجه به حاکم از ویژگی‌های غالب آرمان‌شهرهاست. کسانی همانند فارابی، افلاطون و فرانسیس بیکن بر آن بودند که یا باید حکیم، حاکم و یا حاکم، حکیم باشد.^{۴۵} کامپلانا جامعه‌ای سوسیالیستی را به تصویر می‌کشد که کشیشان و روشن‌فکران، رهبران آن هستند.^{۴۶} آگوستین معتقد است اراده الهی در بدو خلقت چنین بود که هیچ انسانی بر انسان دیگر حکومت نکند، بلکه حاکم علی‌الاطلاق خدا باشد و انسان‌ها در طول حاکمیت خدا باشند.^{۴۷} پس جامعه‌ای سعادت‌مند است که تحت نظارت و رهبری کلیسا و روحانیان باشد و بهتر و راحت‌تر همین است که مردان خداترس پیرو قوانین و اوامر الهی همیشه در رأس امپراتوری‌ها باشند و ستم‌ها را نه به نفع خود که به نفع مردمانی بپذیرند که بر آنان حکومت می‌کنند.^{۴۸}

۸. صلح و آسایش و رفاه از ویژگی‌های اتوپیاها مثبت است؛ زیرا اتوپیا بنابر ماهیتش در پاسخ به بی‌داد و ظلم و ناامنی‌های موجود شکل می‌گیرد. از این‌رو، واژه‌های صلح و آرامش در اغلب آرمان‌شهرها به چشم می‌خورد، چنان‌که آگوستین اعتقاد دارد که صلح در هر شکلی ستودنی است و شهروندان شهر آسمانی از صلح و آرامش برخوردارند.^{۴۹} شاید از این‌روست که «اکثر اتوپیه‌ها، وضع و موقع جغرافیایی خاص دارند، یعنی یا مانند جزیره یوتوپیا، محاط در دریاها و اقیانوس‌های آرام است و مردم آنها از بیم موج و گرداب‌های حایل در شب تاریک بی‌خبرند، یا اگر جزیره نیستند مانند بوستان سعدی چنان از بقیه سرزمین‌ها جدا می‌باشد که اهل آن از ظلم و ستم و قانون هرج و مرج که

صلح و آسایش و رفاه از ویژگی‌های اتوپیاها مثبت است؛ زیرا اتوپیا بنابر ماهیتش در پاسخ به بی‌داد و ظلم و ناامنی‌های موجود شکل می‌گیرد. از این‌رو، واژه‌های صلح و آرامش در اغلب آرمان‌شهرها به چشم می‌خورد، چنان‌که آگوستین اعتقاد دارد که صلح در هر شکلی ستودنی است و شهروندان شهر آسمانی از صلح و آرامش برخوردارند.

در سایر جامعه‌ها حاکم است، خبری ندارند.^{۵۰} از این‌رو، غالب آرمان‌شهرها برای امنیت و صلح بیشتر در مدینه فاضله خود تدابیر بسیاری اندیشیده‌اند که نمونه بارز آنها جزیره یوتوپای تامس مور است که جزیره‌ای بودن آن مردمان را از خطرهای بیرونی حفظ می‌کند و شهر آرمانی هارینگتون برای در امان بودن از فساد و تباهی، پذیرفتن بیگانگان را ممنوع می‌داند.

۹. دانایی و خرد نیز از بارزترین ویژگی‌های آرمان‌شهر است و در غالب اتوپیاها بدان توجه دارند، چنان‌که در بسیاری از آنها همانند آرمان‌شهرهای افلاطون، فارابی، فرانسیس بیکن و... حاکم باید فیلسوف باشد.

اتین کابه، نویسنده سوسیالیست فرانسوی، نیز درباره آرمان‌شهر خود معتقد است:

همه مؤسسات اجتماعی و سیاسی آن کشور بر مبنای منطق و عدالت و عقل و خرد ایجاد شده است، جنایات در آن ناشناخته‌اند و همه مردم آن در صلح، صفا و عیش و طرب زندگی می‌کنند. فرانسیس بیکن نیز مدینه‌ای علمی بنا می‌نهد که سازمان‌های علمی با پیشرفته‌ترین ابزار در آن وجود دارند.

نتیجه

آرمان‌شهرگرایی مفهومی دیرینه است که با رشد اندیشه بشری هم‌زاد گشته و از آن‌جا که با فطرت آدمی آمیخته است، همواره بدان توجه می‌کنند. اندیشه‌وران آرمان‌شهرهای مختلفی تدوین کرده‌اند که تضاد کامل با هم دارند. با وجود این، برخی مفاهیم مشترکی در میان همه آنها نیز به چشم می‌خورد. بررسی یکایک آرای این اندیشه‌وران در دیگر نوشته‌ها خواهد آمد.

* . مدرّس حوزه و دانشگاه.

۱ . نویسنده اومانیزم عصر رنسانس.

۲ . گفته‌اند این عنوان از بازی تامس مور با دو کلمه «*Otopia*» (لامکان) و «*Eutopia*» (مکان خوب) برآمده است.

۳ . مفاد تقابل بین اتوپیا و اسطوره، حاکمیت اسطوره و فایده داشتن آن در مقابل بی‌ارزشی و بی‌اعتباری اتوپیا بود.

۴ . همانند داستان *سرانجام کودکی* اثر آرثر کلارک (Clark) در سال ۱۹۵۳ میلادی.

5 . Christainopolis.

۶ . رضا داوری اردکانی، *اتوپیی و عصر متجدد*، ص ۳۴.

۷ . همان، ص ۳۳.

8 . New Atlantis.

۹ . فیلسوف تجربه‌گر، دولت‌مرد و طبیعی‌دان انگلیسی.

10 . James Harnigton.

۱۱ . فیلسوف فرانسوی.

12 . Karl Heinrich Marx (فیلسوف و اقتصاددان سیاسی انگلیسی).

13 . Dystopian.

14 . Anti Utopia.

15 . aldous Huxley (نویسنده، شاعر و فیلسوف انگلیسی).

۳۲. تاریخ فلسفه در قرون وسطی، ص ۱۱۴؛ نک: فلسفه ایمان مسیحی، ص ۴.
۳۳. ابونصر فارابی، مجموعه مقالات تحقیقی، زیر نظر ایرج افشار، ص ۱۹-۲۴، انتشارات کتابخانه مرکزی دانش گاه تهران، ۱۳۴۵ شمسی.
۳۴. فصول المدنی، فص ۸۸، ص ۱۶۴.
۳۵. نک: عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازوی، ص ۲۳۸، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۵ شمسی.
۳۶. تامس مور، آرمان شهر (اتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، چاپ اول: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ شمسی.
۳۷. بارنز وبکر، تاریخ اندیشه اجتماعی، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، ص ۳۶۰، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۳۸. ایدئولوژی و اتوپیا، ص ۱۰۰.
۳۹. فردریک رووین، آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، ص ۱۴-۱۵، نشر نی، تهران ۱۳۸۵ شمسی.
۴۰. افلاطون، جمهور، ترجمه فواد روحانی، ج ۵، ص ۹۲، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
۴۱. مایکل. ب. فاستر، خداوندان اندیشه، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰، چاپ دوم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۴۲. رضا داوری اردکانی، فارابی، ج ۴، ص ۱۰، انتشارات مؤسسه فلسفه اسلامی و پژوهش گاه علوم اسلامی، تهران ۱۳۷۷ شمسی.
۴۳. نک: آرمان شهر (اتوپیا).
۴۴. تاریخ اندیشه اجتماعی، ص ۳۶۰.
۴۵. تاریخ در ترازوی، ص ۲۵۱.
۴۶. تاریخ اندیشه اجتماعی، ص ۳۶۰.
۴۷. فلسفه در قرون وسطی، ص ۳۴۳.
۴۸. خداوندان اندیشه، ص ۳۵۶.
۴۹. سیدمحمد خاتمی، از دنیای شهر تا شهر دنیا، ص ۱۱، چاپ دهم: انتشارات نشر نی، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۵۰. محمدمنصور فلامکی، فارابی و سیر شهروندی در ایران، ص ۹۳، چاپ اول: نشر قطره، ۱۳۶۷ شمسی.
16. George Orwell (نویسنده، شاعر و فیلسوف انگلیسی).
17. Abrams, M.H. Aglossary of Literary Terms, third edition, New york: Holt, Rinehart & Winston, Inc.
18. Evgeny Zamyatine. (نمایشنامه نویس روس)
19. Brave New World.
۲۰. نک: آلدوس هاکسلی، دنیای قشنگ نو، ترجمه سعید حمیدیان، چاپ سوم: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸ شمسی.
21. Animal Farm.
22. George Orwell, Animal Farm (با استفاده از سایت <http://online.bools.library.upenn.edu/nonus.html>.)
23. Karl Popper (فیلسوف انگلیسی).
۲۴. نک: *Utopie und Gewalt* مدینه فاضله و قهر (سخن رانی پوپر در انستیتوی هنرهای بروکسل در ژوئن ۱۹۴۷)، نخستین بار در *The Hibbert Journal*، ج ۴۶، در سال ۱۹۴۸، منتشر شد و سپس در کتاب *حدس ها و ابطال ها* (که با همین نام توسط زنده یاد احمد آرام به فارسی ترجمه شده است)، به طبع رسید. این مقاله توسط F. Spreer به آلمانی ترجمه شد و پوپر پس از تصحیح، ترجمه را مورد تأیید قرار داد. ترجمه فارسی سخن رانی پوپر، از متن آلمانی، نخست در مجله *کیان*، ش ۴۵، به چاپ رسیده است.
۲۵. نک: کارل ریموند پوپر، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۸۴ شمسی.
26. Ideologic.
۲۷. پل ریکور، *ایدئولوژی و اتوپیا*، ترجمه احمد بستانی، نشریه نامه مفید، ش ۳۲، آذر و دی ۱۳۸۱، ص ۹۹.
۲۸. جامعه شناس مجارستانی.
۲۹. ارنست کاسیرر، *فلسفه و سیاست*، ترجمه مهدی واجد سمیعی، مجله *سیاست خارجی*، ش ۳، مهر و آذر ۱۳۶۴، ص ۴۲۵-۴۲۶.
۳۰. افلاطون، *دوره کامل آثار*، ترجمه و تدوین محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، ج ۲، ص ۹۹۰، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۳۱. *آشنایی با آگوستین*، ص ۳۴.